



سرزمین جدید

ایران در آغاز پهلوی

آکسل فون گره

ترجمه: سعید فیروزآبادی



CONTEM-
PORARY
ART
PUBLI-
CATIONS

سرشناسه: گره، آکسل فون، ۱۹۰۰ م • Graefe, Axel Von • عنوان و نام پدیدآور: سرزمین جدید ایران در آغاز پهلوی/ آکسل فون گره؛ ترجمه سعید فیروزآبادی؛ به پیشنهاد علی دهباشی؛ پروژه‌ای از بنیاد لاجوردی و نشر هنر معاصر؛ ویراستار فریبا فیاضی. • مشخصات نشر: تهران: هنر معاصر، ۱۴۰۰. • مشخصات ظاهری: ۱۵۲ ص. • شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۵۲-۳-۲ • وضعیت فهرست نویسی: فیا • یادداشت: عنوان اصلی: Iran, das neue Persien. Mit einem Geleitwort von Reichsminister des Auswärtigen Frieherrn von Neuarth. Mit 170 Originalaufnahmen des Verfassers, 1937. • موضوع: گره، آکسل فون، ۱۹۰۰ م - سفرها - ایران - مصور • موضوع: Iran -- Pictorial works -- Travel -- Iran -- Pictorial works • موضوع: ایران - مصور • موضوع: Iran -- Pictorial works • موضوع: ایران - سیر و سیاحت - قرن ۱۴ - مصور • موضوع: Iran -- Description and travel -- 20th century • شناسه افزوده: فیروزآبادی، سعیدسعید، ۱۳۴۴-، مترجم • شناسه افزوده: بنیاد لاجوردی • رده‌بندی کنگره: DSR1۴ • رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۲۲۲ • شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۷۳۱۵۹ • اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

سرزمین جدید ایران در آغاز پهلوی

نویسنده و عکاس: آکسل فون گره

IRAN DAS NEUE PERSIEN, AXEL VON GRAEFE

ترجمه: سعید فیروزآبادی

به پیشنهاد: علی دهباشی

پروژه‌ای از بنیاد لاجوردی و نشر هنر معاصر

مدیر اجرایی: روزبه امین

طراح گرافیک: حسین فیلی‌زاده

ویراستار و مقابله متن: فریبا فیاضی

چاپ و تولید: نشر هنر معاصر

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۷۸۵۲-۳-۲

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

با سپاس از: محمود آموزگار، فرح دبیر رحمانی، سارا کریمی‌پور، حسین به‌روش، پریسا مختاباد، محمد فرهی شهریار کاظمی، سارا درمانی، علی واضحی، مریم صاحب‌دیوان، هانیه سلیمانین، آرمان خلعتبری، کیمیا کاتب‌زاده، امیر جاودانی و خانواده کهنمونی

نشر هنر معاصر:

تهران، خیابان کریم‌خان زند، خیابان ویلا، سپند شرقی، پلاک ۲۰ واحد ۱- تلفن: ۸۸۹۱۱۶۸۹

همکاران: رویا ارباب، محمد ساعتی، آرمان زیرک، الیاس حسینی، امید موسوی‌زاده، حمید پارسائیان و

مصطفی صمدزاده

همه حقوق این کتاب متعلق به ناشر و محفوظ است.

نشر الکترونیکی و هرگونه برداشت از متن و تصاویر بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست.

• کاغذ این کتاب از منابع جنگلی مدیریت شده تهیه شده است و به واسطه تجدیدپذیر بودن آن، آسیبی متوجه محیط زیست نشده است.

سرزمین جدید

ایران در آغاز پهلوی

آکسل فون گریفه

ترجمه: سعید فیروزآبادی

فهرست

۶	یادداشت دبیر مجموعه
۹	یادداشت مترجم
۱۱	سفری به ایران
۲۱	سرزمین جدید
۱۴۶	نمایه

یادداشت دبیر مجموعه

کتابی که اکنون با عنوان «سرزمین جدید، ایران در آغاز پهلوی» منتشر می‌شود، پیش از این در سال ۱۹۳۷ میلادی (۱۳۱۶ شمسی) و اندکی پیش از شروع جنگ دوم جهانی، در مجموعه‌ای از انتشارات آتلانتیس به چاپ رسیده است. کتاب‌های این مجموعه، درباره هند، ایتالیا، ژاپن و دیگر کشورهایی است که بعدها نازی‌ها در آلمان روزگار هیتلر، تلاش کردند تا برخی از آن‌ها را جزیی از ایدئولوژی، خاک و قلمرو خود کنند. نمی‌توان ادعا کرد که این تقارن برنامه‌ریزی شده بود با این حال ایران نیز که همواره یکی از مهم‌ترین مسائل استراتژیک «قدرت‌های بزرگ» بوده است، در میان این کتاب‌ها قرار گرفت.

مجموعه آتلانتیس قصد داشت با کتاب‌های خود، گزارشی کل‌نگر، توصیفی و در زمانه خود دقیق، از کشورهای ذکر شده ارائه کند. در نتیجه کتاب پیش‌رو، نمونه تصویری کم‌یاب و با اهمیتی از موقعیت حکومت، شرایط جامعه و زندگی مردم ایران در آستانه برآمدن سلسله پهلوی است و همین‌طور پیشرفت‌های ناگهانی کشوری کم‌رشد را از چشم یک ناظر خارجی نشان می‌دهد.

آکسل فون گرهه، عکاس و روزنامه‌نگار آلمانی در ارتش رایش سوم خدمت می‌کرد. او ماموریت داشت تا گزارشی جامع از مدرنیزاسیون ایران تحت زمامداری رضاشاه پهلوی، گردآوری و تهیه کند تا در شناسایی وزن، قوه و جهت ایران در بازی قدرت‌ها و پس از آن در جریان جنگ دوم جهانی، به کار حکومت مطبوع‌اش بیاید.

یادداشت تحسین‌آمیز وزیر خارجه هیتلر در چاپ اصلی کتاب، بیانگر اهمیت ایران در سیاست بین‌المللی و جایگاه این گزارش در دستگاه دیپلماسی وقت آلمان است. از دیگر موارد مرتبط با این گزارش می‌توان به توجه آلمان نازی به جبهه جنوبی جنگ با متفقین و زیر نظر داشتن رویدادها و تحولات سیاسی منطقه غرب آسیا از جمله فروپاشی سلسله قاجار اشاره کرد.

گزارش مصور گرفته، با مقدمه‌ای درباره شکوه باستانی از دست رفته ایرانیان و هم‌زمان با آن توصیف پادشاهی جدید ایران پس از فروپاشی قاجار، آغاز می‌شود. سپس، با ارائه اطلاعاتی کاوش شده و مستند و نوشتن در مورد جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، مردم‌شناسی و شهرهای ایران ادامه می‌یابد. در سراسر کتاب، مکان تصاویر مشخص شده و هر کدام با توضیحی همراه شده‌اند.

گرفته روزنامه‌نگاری مسلط به روش‌های رسانه‌ای حزب نازی است که با هدف به تصویر کشیدن آخرین تحولات اجتماعی و سیاسی روز ایران و تهیه یک مستند تبلیغاتی، به کشوری در حال توسعه سفر کرده است. به باور او با برآمدن سلسله پهلوی، کشور ایران پس از سالیان طولانی، آشوب، انزواء و غفلت تاریخی، روند مدرن شدن را آغاز کرده و با راهبری دیکتاتوری وطن‌پرست و برخوردار از انضباط نظامی چون رضاشاه به مرور از کسمکش قدرت‌های کهن چون روسیه و انگلستان رهایی یافته است. گرفته از مسیر و رویکرد زمامداری رضاشاه نتیجه می‌گیرد که ایران در نهایت می‌تواند در جبهه راهبردی متحدان آلمان مدرن و پیشرفته قرار بگیرد.

از نگاه گرفته، با روی کار آمدن پهلوی و در سایه «شخصیت خاص» بنیانگذار و پادشاه نخست آن، ایران به تحولاتی «عظیم» دست یافته است. او برای اثبات این ادعای خود، استفاده از خودرو، جاده‌سازی، اسکان ایلات، تأسیس بنادر و کشیده شدن راه آهن سراسری ایران را مثال می‌زند و در بیان تغییر اوضاع و احوال کشور در زمانه پهلوی می‌نویسد: «کاخ گلستان بدل به موزه شده است و دیگر نمی‌توان با لباس‌های قدیمی رفت و آمد کرد».

شیوه نوشتاری گرفته در بیان مطالب، توضیح مکان‌ها، موقعیت‌ها و تصاویر، خلاصه، کارکردگرایانه و خبری است. او در توصیفات خود ستایش گر رویکرد پهلوی اول در مدرنیزاسیون کشور است و از دست‌آوردهای این حکومت در زمینه توسعه مقطعی ایران، تمجید می‌کند.

خلاصه کنیم، این کتاب در اصل گزارشی تبلیغاتی است که ارتش آلمان برای معرفی و ارزیابی سرزمینی باستانی با حکومتی نوظهور در همسایگی شبه قاره هند که برای نازی‌ها اهمیت بسیار داشت، آن را تهیه کرده است. از این رو شاهد تعریف و ستایش دائمی از شخصیت رضاشاه و موقعیت تازه‌یاب کشور ایران در زمانه پهلوی اول هستیم. روحیه پروپاگاندا باعث شده که مولف، چشم خود را بر خشونت، قتل و حبس روزنامه‌نگاران و فعالان فرهنگی و سیاسی، کاستی‌های اجتماعی، مسئله فقر و شیوه حکمرانی رضاشاه ببندد.

سرزمین جدید، دومین کتاب از مجموعه کتاب‌های پروژه‌ای است که بر مطالعه، آرشیو و مستندسازی تاریخ و فرهنگ صد سال اخیر ایران تمرکز دارد. پیش از این، کتابی با عنوان «ایران به روایت متن و تصویر، گزارشی از واپسین سال‌های قاجار» در همین مجموعه منتشر شد. نشر هنر معاصر با حمایت بنیاد لاجوردی، عهده‌دار هدایت و پیگیری این پروژه است و کتاب‌های این مجموعه را منتشر می‌کند.

علیرغم مطالعات و پژوهش‌های بسیار پیرامون ظهور رضاشاه، نحوه برآمدن پهلوی و شرایط جامعه و مردم ایران در آن زمان، مخزن تصویری ما در این زمینه غنی نیست. گزارش گرفته با ۱۶۷ تصویر، چهره ایران در حال مدرن شدن را نشان می‌دهد و حاوی تصاویری ارزشمند و دیده نشده از معماری قدیمی و مدرن ایران، مراکز شهری و روستایی، پیشرفت‌های صنعتی، مردم و زندگی روزمره و مسیر سامان‌یابی حکومت پهلوی در میانه دهه بیست شمسی است. در آخر می‌بایست از مترجم توانا، آقای دکتر سعید فیروآبادی تشکر کنم که با دانش گسترده خود در زبان و فرهنگ آلمانی، این کتاب را ترجمه کردند. به سعی و زحمت ایشان، انتشار کتابی تازه پیرامون تاریخ حضور آلمانی‌ها در ایران و فعالیت‌های آن‌ها ممکن شد و خوانندگان و پژوهشگران فرهنگ و تاریخ معاصر ایران از گنجینه‌ای بی‌نظیر از تصاویر آرشیوی بهره‌مند می‌شوند.

علی دهباشی

تهران، اردیبهشت ۱۴۰۰

یادداشت مترجم

اگر بپذیریم در بررسی هر برهه تاریخی به ارائه اسناد و شواهد علمی نیاز است، می‌توانیم کتاب حاضر را سندی مهم در بررسی یک دوره تاریخی در نظر آوریم. همان‌گونه که نویسنده و عکاس کتاب، آکسل فون گریفه، شرح می‌دهد، این کتاب به سفارش و با حمایت سفیر وقت آلمان در تهران، یوهان اسمند که از ۱۹۳۵ تا ۱۹۳۹ م در این سمت حضور داشت، نگاشته شده است. چنانچه مشهود است، مقامات ایرانی نیز از گریفه که عکاس و نویسنده است حمایت کرده‌اند، زیرا نویسنده به کلیه مکان‌های مهم ایران دسترسی داشته است. نگارش مقدمه وزیر امور خارجه رایش سوم آلمان، فرایهر فون نویرات بر این کتاب نیز نشان‌دهنده روابط صمیمانه دو کشور ایران و آلمان است.

کتاب حاضر یکی از کتاب‌های «مجموعه کره زمین» است که در انتشارات آتلانتیس در زوریخ و برلین منتشر می‌شد. در این مجموعه، کتاب‌هایی درباره ایتالیا در دوره موسولینی، پرتغال، هند، ایرلند، ژاپن و کره، به چاپ رسیده است. گریفه، متولد ۱۹۰۰ م است و در سال ۱۹۴۶ م نیز فوت کرده است. او که در دستگاه تبلیغاتی حکومت هیتلر خدمت می‌کرد، بیشتر به عکاسی برای رایش سوم شهرت داشت.

عنوان این کتاب که در اصل «ایران» و عنوان دوم آن «سرزمین جدید پارس» است، به موضوعی خاص در دوره رضاشاه پهلوی اشاره دارد. در زمانه پهلوی اول، در خارج از ایران و به خصوص کشورهای اروپایی، در بیشتر منابع رسمی و غیررسمی از کشور ایران با نام‌های «پرشیا»، «پرسیا» و «پرزین» یاد می‌کردند. این نام‌ها، در ذهن مخاطب خاطره‌ای از ایران باستان را تداعی می‌کرد.

رضاشاه در ششم دی ۱۳۱۳ هـ خ به پیشنهاد سعید نفیسی، نام کشور را «ایران» تعیین کرد و در نامه‌ای به همه کشورهای جهان خواستار استفاده از این نام به جای Persia یا Persien

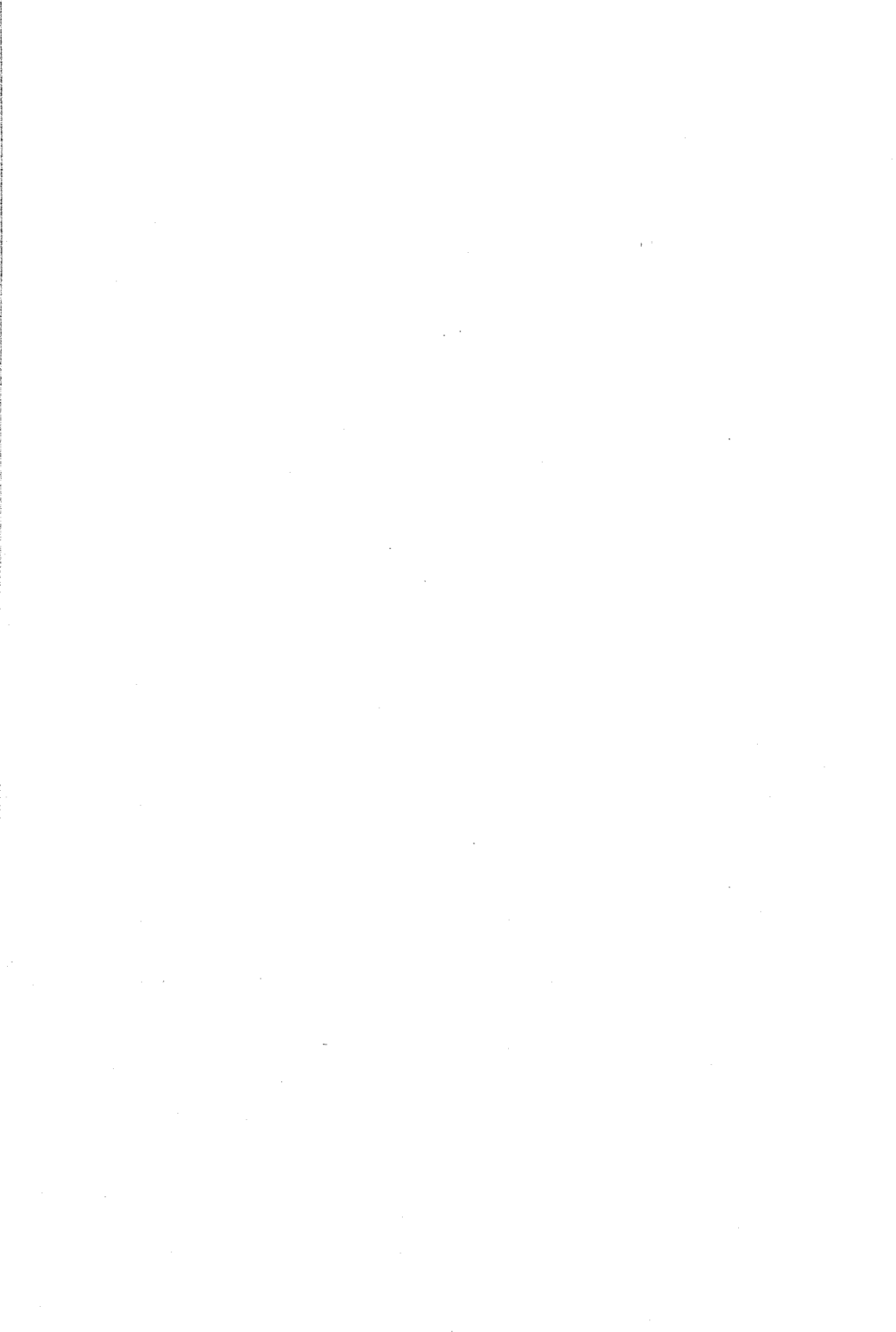
شد. در این زمان، نام ایران که به تعبیری کهن‌ترین نام آریایی است، با رواج مطالعات هندوژرمنی و اهمیت موضوع ریشه‌یابی نژاد آریایی، از محبوبیت زیادی برخوردار بود. به همین دلیل نویسنده این کتاب که در سال ۱۳۱۵ شمسی و دو سال پس از این نام‌گذاری به ایران سفر کرده است، برای عنوان این کتاب نام «ایران، سرزمین جدید پارس» را برگزیده است.

به‌رغم تعریف و تمجیدهای جانب‌دارانه که نویسنده کتاب از تحولات ایران تحت زمامداری رضاشاه مطرح می‌کند، بخشی از توصیف‌های او و از آن جمله مراحل ساخت راه‌آهن سراسری ایران، بسیار جالب توجه است. همچنین بسیاری از تصاویر کتاب، برای مخاطب امروز نشانگر تغییری است که طی حدود ۹۰ سال گذشته در ایران ایجاد شده است. نباید از یاد برد که ورود مدرنیته به ایران از دوره ناصرالدین‌شاه آغاز و در دوره رضاشاه به اوج خود رسید. این مدرنیته در بسیاری از جنبه‌ها و مظاهر آن ناقص و ناکامل و بیشتر تقلیدی کورکورانه بود. مثال بارز و مشخص آن ایجاد فضاهای شهری مدرن، همچون میدان توپخانه در تهران است که امروز شکل ناقص و ناکامل آن را با ساختمان‌های بتنی یا بسیار بدنمایی می‌شناسیم که اصالت تاریخی شهر تهران، دروازه‌ها و برج و باروهای این شهر را کاملاً از بین برده‌اند. گرفته در بخش‌هایی از کتاب خود به سیر مدرنیزاسیون در ایران و نمادهای آن اشاره می‌کند.

سعید فیروزآبادی

آقچری، مرداد ۹۹

سفری به ایران



سفری به ایران

تا آن هنگام که این
مردن و زنده شدن
را تجربه نکنی،
مهمانی اندوهگین
در این جهانی.

گونه در دیوان غربی - شرقی

در گذشته‌های دور و دورانی که دیگر نشانی از آن نیست، شاهان بزرگ ایران که در گذشته در غرب به «پارس» شهرت داشت، این کشور را به اوج شکوفایی و قدرت رسانده‌اند. امروز نیز شاهد نشانه‌های چنین رخدادی در فاصله بین مرزهای قفقاز روسیه و دریای مازندران در شمال و خلیج فارس در جنوب هستیم. درکنار این رخدادها و در فلاتی با کوه و دره‌های گسترده بین افغانستان و هند در شرق و عراق در غرب، شاهد نشانه‌هایی از زوال و افول نیز در گذر هزاره‌ها بوده‌ایم. اگر به تاریخ ۱۳۰ سال گذشته ایران بنگریم، این «مردن و زنده شدن» را می‌بینیم. در این دوره سلسله قاجار برچیده و با به قدرت رسیدن حکومت پهلوی و بنیان‌گذار بزرگ آن، رضاشاه در سال ۱۹۲۵ میلادی بار دیگر وحدت و قدرت ملی فراهم شد. تحولاتی که در یک دهه اخیر به دلیل شخصیت خاص رضاشاه در ایران ایجاد شده، بسیار عظیم است. امروز در سرزمینی که مساحتی سه برابر آلمان دارد، بر مسیر سست و ناهموار کاروان شتران، خودروها در حال حرکت هستند و ساخت راه‌آهن سراسری ایران رو به پایان است، بنادر تأسیس می‌شوند و شهرها،

صنعت، کشاورزی و معدن در حال بهبود است. مردم این کشور، تاریخ بزرگ امپراتوری شیر و خورشید ایران (که معنی سرزمین آریاییان را می‌دهد) به یاد می‌آورند و این نام در خاطر ما خاستگاه مهاجران هندوآریایی را زنده می‌کند و ایران جدید نشانی از آنان است.

از زمانی که رضاشاه با نیروی نظامی خود در ۲۱ فوریه ۱۹۲۱م در تهران زمام امور را به دست گرفت، این شهر کانون تحولات ایران در دوره معاصر است. تهران بر کوهپایه‌های البرز و در کنار قله آتشفشانی باشکوه دماوند به ارتفاع ۵۶۷۰ متر در حال گسترش به سمت دشت‌های جنوب و تغییر به شهری بزرگ و جدید است. مصالح ساختمانی این شهر از ویرانه‌های شهر ری با تاریخی باستانی آورده می‌شود. اکنون به جای راه‌های بدون سنگفرش و کوچه‌ها، خیابان‌های پهن با آسفالت می‌سازند و ساختمان‌های باشکوه بسیار سریع ساخته می‌شوند. در این میان ساختمان‌های دولتی جدید که سبک آنها یادآور کاخ‌های دوره داریوش هخامنشی است، هر بیننده‌ای را مسحور خود می‌کند. از نشانه‌های این دوره احداث وزارتخانه‌ها، بانک‌ها، تئاتر، مجلس، دانشگاه و مدارس، فروشگاه‌های مدرن و خانه‌های مستحکم با باغ‌ها و ورزشگاه‌های زیباست. طی چند سال اخیر کوچه‌های باریک با ظاهری شرقی از نظرها ناپدید شده است و این شهر با جمعیت چهارصد هزار نفری خود بسیار فراتر از حصارهای قدیمی شهر رفته و ناگزیر دروازه‌های زیبا قربانی این تحولات شده‌اند تا مسیر حرکت خودورها باز شود. در این کلان‌شهر امروزی با آن کاخ گلستان که بدل به موزه شده است، دیگر نمی‌توان با لباس‌های قدیمی رفت‌وآمد کرد. به همین دلیل

شمالی کوه‌ها منظره کاملاً تغییر می‌کند و به‌خاطر رطوبت بالای هوا و بارش باران و برف بسیار در استان‌های مازندران و گیلان، گیاهان و درختان زیادی در آنجا وجود دارد. جنگل‌های انبوه راش، افرا، توسکا، بلوط و نارون با زبرینه یا همان مروارید عطری، بنفشه‌های عطرآگین و سیکلمه در بهار به آنجا حال‌وهوایی دیگر می‌بخشند و در کنار جاده‌ای که به گردشگاه تازه‌تأسیس چالوس در دشت می‌رسد، این گیاهان زیبا مشاهده می‌شوند. شالیزاران بسیار حاصلخیز در همه منطقه پست کنار دریای مازندران دیده می‌شود و همین شالیزاران غذای کل مردم ایران را تأمین می‌کنند.

مردم ساعی آنجا خانه‌های چوبی خود را با کاه می‌پوشانند و همچنان به‌رغم نزدیکی به روسیه، فرهنگ خاص خود را حفظ کرده‌اند. در مسیر زیبای ساحلی چالوس تا رشت و بندر پهلوی، استراحتگاه مدرن رامسر با حمام‌های آبگرم توجه ما را به خود جلب می‌کند و بعد مزرعه‌های چای نزدیک لاهیجان است که با کاشت برنامه‌ریزی شده آن، نیاز کل کشور به چای برطرف می‌شود.

در سراسر این نواحی کشاورزان در حال جدال با انبوه علف‌های هرزی هستند که پیوسته در زمین‌هایی می‌رویند که با نابودی جنگل فراهم شده است. سرخس‌های بلند و بوته‌های تمشک مرز بین مزارع است. این مردم با آماده‌سازی زمین جنگل‌ها تا سرحد کوهپایه‌های البرز رسیده‌اند و این کار ساده نبوده است. در این منطقه چغندر قند و پنبه کاشت و فرآوری آن در کارخانه‌های شاهی و دیگر شهرها انجام می‌شود.

با افزایش جمعیت، حیوانات درنده همچون شغال، گرگ، خرس، پلنگ و ببر بنگال که خیلی کمیاب است، بیشتر به اعماق جنگل‌ها رفته‌اند و به این ترتیب پرورش مرغ، گوسفند، خوک، گوساله و گاویش قوی امکان‌پذیر شده است. افزون‌بر پرندگان وحشی همچون آبجیلیک، کبوتر و قرقاول، شکارچیان در جنگل و مزارع آهو، گوزن و حیوانات درنده می‌یابند و با وسایلی ابتدایی آنها را شکار می‌کنند. درکنار ساحل اردک، حواصیل، باکلان، فلامنگو و گاهی هم عقاب دریایی مشاهده می‌شود که بر بلوطی خمیده

بنابر فرمان شاه، مردان کلاه‌های جدید بر سر می‌گذارند و زنان از ابتدای سال ۱۹۳۶ م لباس اروپایی می‌پوشند. این تغییر بسیار فراتر از مسائل ظاهری است، زیرا زنان که تاکنون زیردست مردان بودند، اکنون در زندگی اجتماعی خود از حقوقی برابر برخوردارند.

چون تهران ۱۲۰۰ متر بالاتر از سطح دریا قرار دارد، حتی در ماه‌های داغ تابستان می‌توان هوای آنجا را تحمل کرد، هرچند اقامت در منطقه پر از باغ و زیبای شمیران در ۱۵ کیلومتری شمال تهران و در دامنه توچال بسیار بهتر است. در زمستان و ماه‌های ژانویه و فوریه به دلیل نزدیکی پایتخت به کوه‌ها در آنجا برف هم می‌بارد. درهرحال دوستداران ورزش‌های زمستانی در این زمان می‌توانند با طی مسافتی کوتاه به منطقه مناسب اسکی بروند.

ایران سرزمینی کوهستانی است و میانگین ارتفاع آن به ۱۰۰۰ متر می‌رسد. دو رشته‌کوه ایران، نخست البرز است که در جهت غربی شرقی است و در جنوب دریای مازندران امتداد می‌یابد و دوم رشته‌کوه زاگرس که از تبریز در شمال غربی ایران شروع و تا مرزهای هند در جنوب شرقی ایران ادامه می‌یابد. برای رسیدن به دریای مازندران سه راه وجود دارد و این مسیرها تهران را با شهرهای باکو، روستوف، خارکف، کی‌یف، شپتوکا، ورشو و برلین در مرکز اروپا مرتبط می‌کند. یکی از این سه مسیر از کرج، قزوین ورشت می‌گذرد و به بندر پهلوی می‌رسد. این راه از نظر تاریخی هم بسیار مهم است، زیرا رضاشاه از قزوین به تهران لشکرکشی کرد. راه دوم «جاده چالوس» است که از کنار دانشگاه کشاورزی و دامپزشکی در کرج به سمت شمال در کوه‌های البرز امتداد می‌یابد و راه سوم بیشتر در کنار مسیر راه‌آهن سراسری تازه‌تأسیس است. از راه چالوس فقط مسافران عبور می‌کنند. این جاده زیباترین جاده ایران برای عبور خودروست که از میان صخره‌هایی بلند و باشکوه می‌گذرد و به تنگه‌ای با ارتفاع ۳۲۰۰ متر می‌رسد. چون این مسیر از سپتامبر تا ماه مه پوشیده از برف است، به‌تازگی تونلی در ارتفاع ۲۰۰۰ متری از دریا حفر شده است و به این ترتیب راه در همه فصول باز می‌ماند. در دامنه

بنشینند. در نخستین سال‌های سلطنت، او ناگزیر بود قیام‌های حاکمان محلی در کنار دریای مازندران، آذربایجان و خوزستان را سرکوب کند و پس از ایجاد وحدت ملی تصمیم گرفت که از نفوذ روسیه در ایران بکاهد و کشورش را با عقد قرارداد نفتی جدید در سود حاصل از استخراج نفت مشارکت دهد.

از نوآوری‌های اساسی رضاخان در تشکیل حکومت، اسکان ایلات بود. با ایجاد حکومت مرکزی قدرتمند، رضاشاه توانست اقوام دامپرور ترکمن، کرد، لر، بختیاری، قشقایی و دیگر اقوام را از حملات دزدان که امری معمول در آن زمان بود، محافظت کند و جلوی اقدام مشابه آنان را بگیرد. به این ترتیب گله‌های گوسفند و گاو را صاحبان اندک آن‌ها به مراتع دوردست می‌برند و باقی عشایر در مکانی ثابت زندگی می‌کنند و در آنجا کشاورزی و دامپروری می‌کنند و اسب پرورش می‌دهند. به همین دلیل سیاه‌چادرها کمتر شده‌اند و در مکانی مثل ترکمن صحرا در حاشیه جنوبی دریای مازندران اصطبل‌های مناسب و تمیز برای پرورش اسب ساخته شده است و اقوام مهاجر که مدت‌های مدید کانون ناآرامی در شرق کشور بودند، اکنون به زندگی جدید خود عادت کرده‌اند. اسکان این اقوام جنگجو یکی از مهم‌ترین اقدامات برای ایجاد رضایت مردم در داخل ایران بوده است. در حاشیه ترکمن صحرا همچنین خط آهن سراسری ایران آغاز می‌شود. مسیر شمالی این خط تا تهران به پایان رسیده است و از آن بهره‌برداری می‌شود. خط دیگری که از خلیج فارس آغاز می‌شود، در سال ۱۹۳۹ میلادی به تهران خواهد پیوست. بندر شاه در کنار دریای مازندران با ۱۵۰۰ متر بارانداز نقطه آغاز مسیر شمالی راه آهن معمول ایران است. پس از طی مسیر حدود ۱۳۰ کیلومتری از میان مزارع حاصل خیز و باغ‌های مرکبات مازندران، این خط از شاهی در مسیر ۱۱۰ کیلومتری در ارتفاع ۲۰۰۰ متری تا تنگه گدوک بالا می‌رود و بعد مسیر سوم که ولایت‌های شمالی را از طریق فیروزکوه به تهران متصل می‌کند، شروع می‌شود. شیب این مسیر ۲۸ درجه است و قطارها با گذر از این شیب از ارتفاعات ۱۴۰۰ متری به دامنه‌های شمالی رشته‌کوه البرز

کنار ساحل نشسته است و با گشودن بال‌های بزرگ خود بر امواج تازیانه می‌زند و در نهایت در آسمان آبی به چرخش درمی‌آید. مردم از آب شور دریای مازندران ماهی‌های زیادی می‌گیرند، به خصوص ماهی ازون برون که به دلیل خاویار گران‌بهای خود در همه‌جا معروف است. صید ماهی را یک شرکت ایرانی - روسی در ساحل انجام می‌دهد و در مدت تخم‌گذاری ماهی ازون برون ماهیگیران صبح خیلی زود با قایق به دریا می‌روند و در کنار ردیف طولانی تورهای ماهیگیری با قلاب ماهی می‌گیرند تا صیدهای بزرگ‌تر را در خنکای صبح به کارخانه خاویار بیاورند و در آنجا سپس این تخم ماهی‌ها با نمک آماده ارسال شوند.

در این زیباترین و حاصلخیزترین منطقه ایران، یعنی در ولایت مازندران و کنار این دریا که ابریشم نیز آماده می‌شود، حاکم جدید ایران، رضاشاه پهلوی در قلعه آلاشت واقع در سوادکوه به دنیا آمده است. پدرش عباسعلی خان، فرمانده هنگ مستقر در آنجا بود. رضاشاه در اوآن کودکی از زادگاه خود دور شد. در همین زمان سلسله قاجار که از ۱۷۹۴ میلادی بر ایران حکومت می‌کرد، ولایات بسیار ارزشمندی از قفقاز را به روسیه و بخش‌های وسیعی از جنوب شرقی ایران را به انگلیس واگذار کرده بود. رضاخان بنا بر رسوم خانوادگی خود در بیست و یک سالگی، یعنی در سال ۱۹۰۰ میلادی وارد بریگاد قزاق در تهران شد که عمویش ژنرال نصرالله خان فرماندهی آن را بر عهده داشت. او حین دوره درخشان افسری خود و در سال ۱۹۰۷ میلادی شاهد آن بود که روسیه و انگلیس منافع خود در ایران را با تقسیم این کشور به دو بخش شمالی و جنوبی تضمین و فقط باریکه‌ای در وسط ایران را منطقه بی‌طرف اعلام کردند. در سال ۱۹۱۸ میلادی رضاشاه به درجه میرپنجی در بریگاد قزاق رسید و طی نبردهایی سنگین موفق شد از نفوذ قوای روسیه به داخل ایران در دریای مازندران جلوگیری کند. عدم حمایت کافی از تهران باعث شد که سرانجام او با قوایش به پایتخت بیاید و ابتدا به مقام وزارت جنگ و سپس نخست‌وزیری برسد و در ۱۹۲۵ میلادی پس از برکناری آخرین شاه قاجار که در پاریس زندگی می‌کرد، بر تخت سلطنت

نوشیدن آب گوارای معدنی آنجا خستگی از تن به در می‌کند و از تماشای رنگ آبی این دریاچه با آب شور که هیچ ماهی در آن زندگی نمی‌کند و فقط مجموعه‌ای از پرندگان دارد و همچنین با مشاهده کوه آرات در پس‌زمینه لذت می‌برد. در غرب و جنوب این دریاچه اقوام سلحشور کرد که به‌تازگی اسکان داده شده‌اند با کشاورزی و دامپروری امور زندگی خود را می‌گذرانند.

منطقه کردستان تا کرمانشاه می‌رسد. این شهر یکی از ایستگاه‌های مسیر بغداد - تهران در نزدیکی مرز عراق است. در کنار این شهر مرزی با تأسیسات نفتی، در طاق‌بستان نشانه‌ای از مقر حکومتی شاهان باستانی و غارهایی با کتیبه‌هایی از قرن چهارم و پنجم میلادی دیده می‌شود. اگر از این مسیر کمی به شرق برویم، در بیستون کتیبه‌ای بزرگ متعلق به دوره داریوش هخامنشی را می‌بینیم که بر صخره‌ای بسیار بلند حک شده و نشانگر پیروزی پادشاه بزرگ ایران است. در این مسیر طولانی به سمت تهران باید از تنگه‌ای با ارتفاع بیش از ۳۰۰۰ متر عبور کرد. این تنگه پیش از همدان بر دامنه کوه الوند قرار دارد. این شهر در حال شکوفایی بازرگانی منطقه‌ای حاصل‌خیز در ارتفاع ۲۰۰۰ متری است و دارای پیشینه تاریخی است، زیرا این شهر در اصل هگمتانه و پایتخت امپراتوری مادها بوده و زمان حکومت کوروش هخامنشی (۵۵۰ پیش از میلاد) از امپراتوری ایرانیان جدا شده است.

در مسیر سفر خود به سمت جنوب از ملایر (دولت‌آباد) به بروجرد و مسیر در حال ساخت خط‌آهن جنوب می‌رسیم که از ولایت خوزستان و از فراز کوه‌ها به سمت شمال شرقی و از سلطان‌آباد به شهر زیارتی قم با آن گنبد زیبا و مقدس زیارتگاه آن و بعد به تهران می‌رود. بیشترین مشکل در حال حاضر مسیر کوهستانی بروجرد به صالح‌آباد است. این خط‌آهن از میان صخره‌های بلند در امتداد رودخانه دز با عبور از ۱۵۰ تونل فاصله ۱۵۰ کیلومتر را طی خواهد کرد. هنوز کار ساخت این بخش به پایان نرسیده اما کارهای مقدماتی انجام شده است. زیرا راه‌های ارتباطی و حمل‌مصلح کامل شده

می‌رسند. پیچ‌وخم‌های بی‌شماری که در دره‌های تنگ باید طی شوند، راه‌آهنی را پدید آورده است که مسیر آن دو برابر مسیر هوایی است. با احداث پل بر دره‌های عمیق و ۷۵ تونل که طولانی‌ترین آنها ۲۹۰۰ متر است، عبور قطار از این مسیر میسر شده است. ساخت راه‌آهن در این مسیر ده سال طول کشیده و نشان‌گر توانایی فنی بسیار بالاست.

اکنون پس از بازدید از نواحی کنار دریای خزر به سمت شمال غربی پایتخت می‌رویم، در مسیر عبور از این فلات وسیع کوه‌های رنگارنگ و آسمانی آبی را می‌بینیم و به روستایی کوچک با گنبدی نیمه ویران و بسیار زیبا می‌رسیم. مسجد سلطانیه متعلق به قرن چهاردهم میلادی است و هرچند در گذر زمان بسیاری از کاشی‌کارهای فیروزه‌ای آن از بین رفته و شکل ظاهری خود را از دست داده است، فضای بلند داخلی آن یکی از شاهکارهای هنر ایرانی است. حتی مسافرانی که شتاب‌زده از آنجا عبور می‌کنند، در این فضای دورافتاده حس و حالی خاص می‌یابند. در این منطقه اقوام ترک زندگی می‌کنند.

از قرن اول میلادی اقوام ترک به این منطقه وارد شدند و در قرن سیزدهم میلادی تبریز پایتخت حکومت چنگیزخان و هولاکو بود و همین هولاکو بغداد را ویران کرد. مغولان از شرق آسیا به این مناطق آمدند و تا میانه‌های اروپا نفوذ کردند. جریان‌های تاریخی اغلب باعث تخریب آذربایجان شده اما زلزله‌های فراوان در تبریز هم خرابی زیادی به بار آورده است. با این حال آب‌وهوای مناسب در ارتفاع حدود ۱۵۰۰ متری و موقعیت خاص تجاری پیوسته باعث شده است که این شهر بازسازی شود و این کار هنوز هم ادامه دارد. درعین حال خط راه‌آهن که به تقلیس می‌رود، شرایط ارتباطی این شهر را بهبود بخشیده است.

در نزدیکی مرز ترکیه دریاچه ارومیه وجود دارد که به آن رضاییه می‌گویند. در مناطق حاصل‌خیز ساحلی این دریاچه میوه‌های زیادی (زردآلو، انجیر و انگور) کاشته می‌شود و مردم آنها را خشک می‌کنند و به خارج می‌فرستند. به‌تازگی در آنجا چغندر هم کشت می‌شود. هر مسافری با

گیاهان را نسوزانده و آهوان ساکن در آنجا را نرانده باشد. در کوه‌های شرق شهر شوشتر شرکت نفت ایران و انگلیس نفت استخراج می‌کند و با سه لوله ۲۵۰ کیلومتری از اهواز به بندر آبادان و اروندرود می‌رساند. هر روز کشتی‌های نفت‌کش بخاری، محل ورود دجله و فرات به دریا را ترک می‌کنند و سوخت موتورهای کل جهان را می‌رسانند. هیچ جای شگفتی ندارد که ایران نیز در این مکان به اوج توانایی فنی خود رسیده است، البته به همان میزانی که مردم عرب ساکن در آنجا این مهم را فراهم آورده‌اند. به همین دلیل اندک‌اندک موسیقی چرخ چوبی چاه، جای خود را به صدای موتورها داده است و تراکتورها در مزارع کار می‌کنند و در اهواز هم کارخانه‌هایی تأسیس شده است.

با خط راه‌آهن سراسری ایران و بندر تازه‌تأسیس شاپور در جنوب از اهمیت شهر بندری بوشهر درکنار خلیج فارس کاسته می‌شود اما این شهر جاده‌ای به سمت شمال از مسیر کوهستانی دارد که به شیراز، تخت‌جمشید، اصفهان، قم و تهران می‌رسد. در طی این مسیر به سمت شیراز باید ابتدا از کنسول دلیر آلمان واسموس یاد کنیم که در جنگ جهانی [اول] وفادارانه به میهن خود خدمت کرد. در این مسیر یادگارانی از دوران باستان هم می‌بینیم. یکی از دره‌های حاشیه جاده زمانی قلعه شاپور بوده است که چند کتیبه آن بر صخره‌ها هنوز مشاهده می‌شود. در یکی از این کتیبه‌ها (مربوط به قرن سوم پس از میلاد) پیروزی بر والریان، امپراتور روم آمده است و در تصویر این کتیبه این امپراتور در برابر پیروز این جنگ که سوار بر اسب است، زانو زده است. مشابه این نقش در نقش رستم در نزدیکی تخت‌جمشید هم وجود دارد. اگر کسی سختی صعود از دیواره‌های صخره‌ای سر به فلک کشیده را تحمل کند، می‌تواند در غاری بزرگ نقش هفت متری شاپور را ببیند. اگر بعد به شمال غربی برویم و از رودخانه فهلان بگذریم، به تل اسپید می‌رسیم و از آنجا کهن‌ترین کتیبه ایران مربوط به دوران سومریان در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد را می‌بینیم. این تپه مشرف بر منطقه سکونت ایل قشقایی است.

است و از کامیون برای حمل‌ونقل استفاده می‌شود. بیشتر چهل تا پنجاه هزار کارگری که در احداث راه‌آهن مشارکت دارند، در همین منطقه ساکن هستند. همچنین بهره‌گیری از امکانات فنی جدید به‌رغم جابه‌جایی دشوار ماشین‌ها و لوازم یدکی، به انجام این کار کمک شایانی کرده است، هرچند ده درصد کارگران شاغل، متخصصان خارجی هستند این دستاورد بزرگ بدون قرض از کشورهای دیگر نشانگر قدرت مالی جدید این کشور است.

در دامنه جنوبی رشته‌کوه زاگرس خط‌آهن که از خلیج فارس تا این مکان حدود ۳۰۰ کیلومتر طول دارد و در حال بهره‌برداری است، به رودخانه دز و دشت خوزستان وارد می‌شود. در جنوب غربی دزفول در منطقه‌ای بدون درخت و نزدیک خط‌آهن بین رود دز و کرخه تپه کوچکی ساخته شده از خشت از زمین سر بر آورده و نزدیک آن یک آبادی با مناره مسجدی مشابه برج است. این تپه در اصل مجموعه‌ای از خانه‌ها بوده که خشت‌های خام آن بدل به خاک شده است. اینجا شوش باستانی و پایتخت عیلام و بعدها پایتخت هخامنشیان بوده است. هنوز هم بخش‌هایی اندک از کاخ پرستون شاهی را می‌بینیم که برخی از آثار هنری کشف شده در کاوش‌های آنجا و به‌خصوص کاشی‌های رنگی لعابی آن‌ها با تصویر محافظان شاهان و حیوانات به موزه‌های تهران و پاریس منتقل شده است.

کشتزاران گندم و جو نشانگر حاصلخیزی خاک دشت خوزستان پیش از رسیدن به کوه‌هاست اما این کشتزاران فقط به حاشیه مسیرهای عبور آب و از آن جمله رودخانه کارون با طول ۷۰۰ کیلومتر که آب رود دز هم به آن می‌ریزد، راه دارند. هر جا که صدای حرکت چرخ‌های چوبی با گاو‌ها را در کنار چاه‌ها می‌شنویم، می‌دانیم که این کشتزاران درست همچون هزاران سال پیش آبیاری می‌شوند و هر جا که این آبیاری انجام نشود، آفتاب در این آسمانی که باران از آن نمی‌بارد، همه گیاهان را می‌سوزاند. گله‌های گوسفند در اندک علفزارهای موجود و بوته‌های گز در این دشت با خاک شور غذای خود را تأمین می‌کنند، البته به شرط آنکه آتش این

هر مشاهده‌گری با تماشای این مکان مقدس و بزرگی ساده آن، مسحور این مکان خواهد شد.

از میان این دشت که کوه‌های قهوه‌ای رنگ آن را احاطه کرده است، به سفر خود تا دره‌ای وسیع ادامه می‌دهیم. در این دره باغ‌های سرسبز بسیار چشم‌نواز است. برج‌هایی از میان این رنگ سبز بیرون آمده است که آثاری متعلق به قرن هفدهم هستند. این برج‌ها تأسیسات دفاعی شهر نیست، بلکه کبوترخانه‌هایی است که برای کبوتران درست کرده‌اند. در دیواره‌های داخلی این برج‌ها هزاران آشیانه برای زندگی کبوتران درست شده است. جلوی هر آشیانه طاقچه‌ای همچون بالکن نصب شده و پرندگان فضله خود را از درون آشیانه به آنجا و سپس کف زمین می‌ریزند. این فضله‌ها هر سال گردآوری می‌شوند و کبوتر هم در ازای این کود در برابر پرندگان شکاری محافظت می‌شود. این کودها راز حاصلخیزی باغ‌های اصفهان است.

بر زنده‌رود پل‌های زیبایی بنا شده است و آب از این مسیر به درون شهر می‌آید. در میان خانه‌های شهر کاشی‌کاریهای آبی و سبز مسجد شاه می‌درخشد. در مقابل آن میدان گوی‌بازی است و بعد هم مسجد شیخ لطف‌الله که شاه عباس صفوی بیش از سیصد سال پیش به احترام پدر زن خود فرمان ساخت آن را داد. گنبد زرد پوشیده از کاشی‌های رنگارنگ این مسجد مشابه گنبد آبی مدرسه چهارباغ است که نقش آن یادآور قالی‌های نفیس است.

خیابان‌های عریض و مشجر و کاخ‌های قدیمی سبب زیبایی این پایتخت دوره صفویه با جمعیتی حدود یک میلیون نفر شده است. در این شهر نه فقط هنر نقره‌کاری و قالی‌بافی به‌نهایت عالی وجود دارد، بلکه از نظر صنعتی نیز پیشرفت زیادی مشاهده می‌شود. نکته جالب برای ما آن است که در این‌جا ساختمان‌ها به‌گونه‌ای ساخته می‌شوند که به میراث فرهنگی کهن هیچ آسیبی نرسد. تا امروز نیز به‌خوبی از آن‌ها نگهداری شده است. به این ترتیب اصفهان مهم‌ترین شهر تجاری کشور در مسیر دستیابی به آینده‌ای بزرگ است.

از میان مزارع خشخاش و مراتع مرطوبی که اسبان زیبایی در آنجا چرا می‌کنند، به سمت شمال می‌رویم و از تنگه مرتفع می‌گذریم و به باغ‌های زیبای شیراز می‌رسیم. بسیار دوست دارم که زیر سروهای زیبا و در عطر مست‌کننده بهارنارنج به تماشای مناظر دیدنی این شهر بنشینم. شعرهای حافظ و سعدی که آرامگاه آنان در این شهر است، در خاطر زنده می‌شود و مسجدهای زیبای آن یادآور روزگاران گذشته است. روزگارانی که با این تغییرات جدید از یاد خواهد رفت. در فاصله نه‌چندان دور از شیراز ویرانه‌های کاخی را می‌بینیم که اسکندر در تخت جمشید به آتش کشید. کاوش‌های جدید باعث کشف گنجینه‌های تازه‌ای از فرهنگ باستانی دوره هخامنشی (قرن ششم تا چهارم پیش از میلاد) شده است. به‌خصوص کاخ داریوش و جانشینان او خشایارشا و اردشیر بسیار اعجاب‌انگیز هستند. در کنار ستون‌های باریک، پلکانی بزرگ می‌بینیم که دیوارهایی با کتیبه‌ها را تزئین می‌کند. اما تماشای مقبره شاهان هخامنشی بسیار مسحورکننده‌تر است. در دیواره آهکی پنجاه متری نقش رستم و در نزدیکی ویرانه‌های تخت جمشید چهار گور شاهان قرن پنجم میلادی ساخته و با شکل‌هایی نمادین تزئین شده است. کتیبه مسطح روی مقبره جسد پادشاه بزرگی را نشان می‌دهد که ایستاده بر تختی است و مردان آن را با احترام در پرتو شعله آتش اهورامزدا حمل می‌کنند. چشم‌انداز مقبره داریوش و جانشینان او رو به دشت حاصلخیز و نشانگر عظمت تاریخ این سرزمین است و در آن همچنین کشاورز در حال شخم زدن با خیش خود، در حال مشاهده عظمت این آثار باستانی همچون هزاران سال گذشته به‌کار خود ادامه می‌دهد. اما نخستین پایتخت هخامنشیان در شمال این مکان بوده و پاسارگاد نام داشته است و مقبره عظیم کوروش در آنجا نشانگر عظمت آن است. بر این کتیبه بنا بر روایت‌های یونانی چنین نوشته شده است:

«هر که هستی و اهل هر کجا هستی، بدان که من کوروش هستم، پسر کمبوجیه و بنیان‌گذار امپراتوری پارس که بر آسیا حکومت می‌کند. از این‌رو این تکه زمینی را که استخوان‌های من در آن است، از من دریغ نکن!»

همین نگاه نخست به این شهر مقدس بسیار تأثیرگذار است. همچون اصفهان و دیگر شهرها که در میان باغ‌هایی سبز هستند و گرداگرد آن‌ها منظره‌ای خاکی دارد، مشهد هم در بالای دشت وسیعی قرار گرفته و گنبدها و مناره‌های مرقد نیز همچون تاجی بر سر این شهر می‌درخشند. گرداگرد این مکان مقدس ساختمان‌های اداری مرکز ولایت، بیمارستان‌ها و مدرسه‌های مدرن، خانه‌های ویلایی و کارخانه است و فقط عده اندکی از اروپاییان اجازه یافته‌اند که به آن مکان مقدس وارد شوند. زیرا اینجا مرقد امام رضا (ع) است و شیعیان پس از پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) برای سایر امامان ارزش فراوانی قائل هستند.

امام رضا (ع) هشتمین امام شیعیان است. اهمیت بسیار زیاد این مرقد شکوهمند به این دلیل است که در کشوری قرار گرفته که از پانزده میلیون جمعیت آن بیشترین تعداد، شیعیان هستند. در اینجا افزون بر هزاران زائر محلی، افغان‌ها، هندیان، اهالی قفقاز، اهالی شام و اعراب هم دیده می‌شوند. روحانیون را از عبای تیره و عمامه می‌توان بازشناخت. البته زائران غیرایرانی هم گاهی چنین لباس‌هایی بر تن دارند. به «صحن قدیمی» و دروازه باشکوه و طلایی نادر برای ورود به مرقد امام رضا (ع) وارد شدیم. در این مکان مقدس گنبد طلایی پوشیده از صفحه‌های مس و در کنار آن مناره طلایی بر «صحن بزرگ قدیم» و «صحن بزرگ‌تر جدید» مشرف هستند. این صحن با دروازه‌ای به رنگ طلایی مات با مرقد امام (ع) مرتبط است. کنار دروازه بزرگ سالن‌هایی است که در کتابخانه آن از دست‌نوشته‌های ارزشمند قدیمی نگهداری می‌شود و از طریق راهرویی به صحنی کوچک و بسیار زیبا راه دارد. تماشای دروازه با کاشی‌کاری‌های زیبا و رنگارنگ احساس نزدیکی به این مرقد مقدس را بیشتر می‌کند. ضریح با سه لایه نرده زیبا و باشکوه و درب‌هایی طلایی و زمینی پوشیده از فرش، مروارید و سنگ‌های گران‌بها و طلا و دیگر اشیای ارزشمند احاطه شده است. در نور شام‌گاهی چراغ‌ها، مومنان سه بار گرداگرد ضریح می‌چرخند و بر نرده‌ها و درب آن بوسه می‌زنند و امید دارند که امام غائب آنان ظهور کند

از دشت حاصل‌خیز دور می‌شویم و کویر داغ لوت و نمک را می‌بینیم. این کویر در مرکز و شرق ایران مساحتی به اندازه آلمان دارد. در نائین و نزدیک معادن انارک به جاده‌ای می‌رسیم که از قم به یزد و سپس کرمان در غرب این کویر می‌رود. در این جا نیز مشابه همه مکان‌های کم‌آب کانال‌های زیرزمینی آب از کوه تا دشت را می‌بینیم. این قنات‌ها تأسیساتی حیاتی برای کشاورزی و شهرها هستند. به‌یمن وجود همین قنات‌هاست که در نزدیکی یزد پنبه کاشته می‌شود و ابریشم به‌دست می‌آید. برخی از مردم این منطقه، از تبار پارسیان و کشاورزان کوشا هستند. دخمه‌های این شهر بر فراز کوه‌ها یادآور باور زردشتیان به پاکی خاک، آب و آتش است و بنا بر این باور نباید این عناصر را با جسد مردگان آلوده کرد. به‌همین دلیل پیروان زردشت که آموزه‌های خود را در اوستا آورده است، جسد مردگان خود را به این دخمه‌ها می‌آورند. زردشتیان باور دارند که روشنایی بر تاریکی پیروز خواهد شد و در تلاش خود برای کردار نیک در خدمت دولت هستند.

مسیر بیش از هزار کیلومتری کویر را طی می‌کنیم و در کل این راه کرکس‌ها مفیدترین حیوانات هستند. باغ گلشن با نخلستان‌ها و گندمزاران خود در وسط کویر نمک همچون باغ بهشت به‌نظر می‌رسد. اما همین که صبح زود کودکان را می‌بینیم که با عجله در حال انجام تکالیف مدرسه خود هستند، واقعیت سخت زندگی را دوباره به‌یاد می‌آوریم.

در سراسر این بیابان مردم با بادگیرها و نسیم اندکی که می‌وزد، فضاهای خانه را خنک می‌کنند. شتران با بچه‌های خود مشغول چرا در مکانی هستند که حتی علفه کافی برای یک گوسفند هم وجود ندارد. ریگ‌های روان راه را می‌بندند و با این حال خودرو از این مسیر می‌گذرد و حتی در راه اتوبوس‌هایی را می‌بینیم که زائران را به شهر مقدس مشهد می‌برند.

همین‌که این زائران به تپه سلام می‌رسند و از آنجا برای نخستین بار در دوردست گنبد فیروزه‌ای و گنبد طلایی مرقد امام رضا (ع) را می‌بینند، برای شکرگذاری از رسیدن به این مکان از شادی در پوست خود نمی‌کنند.

کتاب حاضر با پیشنهاد و حمایت سفیر آلمان در ایران تهیه شده است. ایشان در خانه خود با مهمان‌نوازی از من پذیرایی کرد و محبت او همیشه در خاطرم زنده خواهد بود. به همین دلیل صمیمانه از عالی‌جناب سفیر آلمان آقای اسمند و همسر ایشان سپاس خود را بیان می‌کنم. مقامات ایرانی و آلمانی هم با حمایت خود امکان انتشار این اثر را فراهم آوردند. از ایشان و دوستانی که در این کار به من یاری رساندند، در اینجا صمیمانه تشکر می‌کنم.

آکسل فون گریفه

و آنان را نجات بخشید. کنار صحن کوچک، مرقد مسجد گوهرشاد است که گنبدی آبی دارد و زیبایی گنبد آسمان را باز می‌تاباند. این اثر هنری ساخته شده در قرن پانزدهم میلادی از نظر رنگ و شکل سرآمد معماری ایران است.

در نزدیکی مشهد، مقبره فردوسی شاعر است که هزار سال قبل حماسه ملی ایران را سروده است. هنوز هم این حماسه سینه‌به‌سینه روایت می‌شود. بنایی زیبا در این مکان شکوهمند نشان‌گر قدردانی ایران جدید از بزرگان درگذشته خود است.

سرانجام از راه عبور کاروان‌ها به محل آغاز سفر خود در تهران باز می‌گردیم و سر راه هم در نیشابور به دیدار شاعر دیگری می‌رویم و یاد او را گرامی می‌داریم. منظوم عمر خیام، ریاضیدان و منجم بزرگ ایرانی است. خیام حدود نهصد سال پیش تغییری در تقویم ایجاد کرد و تقویم گریگوریانی هم از آن سرچشمه گرفته است. رباعیات حکیمانه خیام که لیریز از شکایت از جهان فانی است، تا عصر حاضر حفظ شده است.

بار دیگر در مسیر خود به کوه‌های رنگارنگ و دره‌های سرسبز درود می‌فرستیم. در حالی که حین عبور از روی خط‌آهن فیروزکوه می‌گذریم، بار دیگر به یاد پیشرفت‌های بزرگی می‌افتیم که همه جا شاهد آن بودیم. باز هم دماوند پوشیده از برف را همچون نماد ایران بر فراز دشت و مناره‌های باریک مسجد سپهسالار بین باغ‌های سبز تهران می‌بینیم. همین منظره دوباره ما را به یاد نشانه‌هایی از گذشته می‌اندازد. نشانه‌هایی که همچون نقش رنگارنگ قالی بر مناظر گوناگون گسترده شده است. در محوطه روبه‌رو گروهی از سربازان پیاده و سواره مشق نظام می‌کنند و به ایفای وظیفه خود در قبال ملت و میهن خویش، مشغول هستند.

در ورزشگاه حاشیه شهر طنین نوای خوش جوانان، در دامنه کوه‌ها صدای دختران و پسران با لباس‌های رنگارنگ و راهنما به گوش می‌رسد. این جوانی، بیان همان تغییر تازه در کشور ایران است. وظیفه این جوانان تداوم راه بزرگی است که رضاشاه آغاز کرده است.